



## به نام خدا

عنوان بحث : از تبیین تا قیام

شب دوم محرم 1444

**روانشناسی جامعه قبل از کربلا :**

اگر بخواهیم درک عمیقی از واقعه کربلا داشته باشیم و بفهمیم چه اتفاقی افتاد باید بدانیم قبل از واقعه کربلا چه اتفاقاتی رقم خورده و یک روانشناسی و جامعه شناسی سال های قبل از کربلا را بکنیم و امکان ندارد که این واقعه طی چند روز اتفاق افتاده باشد.

**خطبه منا آهنگ رسمی طلیعه کربلا :**

خطبه منا در سال ۵۸ ه ق توسط امام حسین (ع) قرائت شده که یک روانشناسی از جامعه خود ارائه داده و حقیقتاً بدون این خطبه امکان ندارد که درک عمیقی از واقعه کربلا داشته باشیم. می شود این خطبه را آهنگ رسمی طلیعه کربلا و

حماسه عاشورا دانست.

چیزی که این خطبه را ارزشمند می کند این است که امام حسین (ع) در تاریخ بسیار کم صحبت کرده و غالب سخنرانی ها قبل از واقعه عاشورا بوده.

### راوی خطبه منا:

خطبه منا از نظر سند هیچ مشکلی ندارد و راوی آن سلیم بن قیس هلالی کوفی بوده که پنج امام از امیرالمؤمنین تا امام باقر(ع) را درک کرده و در سال ۹۰ وفات کرده و در زمان امام سجاد از ترس حجاج بن یوسف در مخفیگاهی پناه می گیرد و در همان جا هم فوت می کند و کتاب سلیم بن قیس کتاب ایشان می باشد که ابا عبدالله نعمانی درباره کتابش می گویند: کتاب سلیم بن قیس یکی از مهمترین اصول ماست. ارزش کتابش هم به خاطر نقل مستقیم از امیرالمؤمنین یا امام حسن مجتبی (ع) یا از یاران و اصحاب مطرح حضرت مانند سلمان و عمار و... است.

خود سلیم بن قیس نقل کرده که در سال ۵۸ به مکه عازم شده بودم و ابا عبدالله در مکه جمعی از افراد مطرح و با نفوذ و... را در خیمه جمع کرده بود و بیش از هزاران

نفر دعوت ایشان را قبول کرده اند که در این بین دویست نفر از صحابه و هشتصد نفر از تابعین حضور داشتند.

### انگیزه حضرت از قرائت خطبه منا:

معاویه قصد براندازی اساسی و ریشه کن کردن دین را داشت و این در حالی بود که معاویه نفر اول حکومت اسلامی شده است و امیرالمؤمنین، امام حسن (ع) و یاران امام علی (ع) هم به شهادت رسیدن و برای امام حسین (ع) هیچ چیز جز خانواده اش نمانده اما با این حال امام ساکت نشستند و اصلی ترین انگیزه قرائت خطبه به خاطر چهار بخشنامه معاویه به فرماندارانش بود.

### بررسی خطبه منا:

خطبه منا سه بخش دارد: بخش اول فضایل امیرالمؤمنین، بخش دوم دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و بخش سوم وظایف علماء و در ادامه خطبه امام از وضعیت خود صحبت می کنند و می گویند که من ساکت نمی نشینم تا معاویه دین را براندازی کند.

## بخشنامه های معاویه:

معاویه به فرماندارنش گفته بود که هر که دو هفته در نمازها شرکت نکند من خلعتش می کنم چون باید مهمترین فرمانهای معاویه قبل از نماز جمعه توسط فرماندارنش خوانده می شد.

## بخشنامه اول:

معاویه در بخشنامه اول گفته: «سلام بر تمام کسانی که به دین، مملکت و به ما خدمت می کنند و سلام بر تمام مؤمنانی که بدون چون و چرا به رای خدا گردن می نهند و حرف خدا را که از کلام ما جاری می شود گوش می دهند فرماندارانم من خود را از کسانی که درباره فضیلت ابوتراب و خاندانش فضیلتی نقل کنند برئ الضلمه نموده و حمایت خود را از او برداشتم».

نامه معاویه به فرماندار کوفه: «نگذار کشته شدن علی و فرزندانش شهادت معرفی شود و بر عثمان و یارانش تمرکز کن و هر که بر علی و شیعیانش آن را استعمال کرد سرمایه اش را از بیت المال قطع کن، این شخص باید معرفی شود و پیگرد قانونی قرار گیرد از این پس هرکه بر عثمان حدیثی نقل

کند او را تکریم نموده و برای او حساب مالی از بیت المال تأسیس خواهیم کرد و این کار تا یکسال ادامه دارد و بیست شهری که بیشترین فضیلت درباره عثمان را بگویند از مالیات معاف می شوند». هدف معاویه از این بخشنامه کم رنگ کردن نام علی و اولاد حضرت بوده.

### بخشنامه دوم:

معاویه در بخشنامه دوم می گوید: «حدیث درباره عثمان زیاد شده و به حد کافی به تمام نقاط مملکت رسیده با رسیدن این بخشنامه مردم را دعوت کنید درباره خلیفه اول و دوم و صحابه حدیث نقل کنند و هر حدیثی که درباره ابوتراب نقل شده حدیثی مثل آن را درباره صحابه بیاورند این کار مورد علاقه و روشنی چشم خواهد شد و هر پدری که فرزندش را به حفظ حدیث از صحابه تشویق کند سهمش از بیت المال را زیاد کنید.»

### بخشنامه سوم:

معاویه در بخشنامه سوم دستور می دهد که: «مراقب باشید

هر که متهم به دوستی با علی و شیعیانش باشد و کوچکترین دلیل در اینباره پیدا شد اسم او را از حیوان حقوق و مزایا حذف کرده و سهمیه او از بیت المال را قطع کنید.»

### بخشنامه چهارم:

معاویه در بخشنامه چهارم می گوید: «هر که متهم به دوستی با علی شد تحت فشار بگذاریدش و خانه او را بر سرش خراب کنید تا درس عبرتی برای دیگران بشود و چنان رعب و وحشتی در خانه شیعیان بیاندازید تا زن و مرد به هم اعتماد نکنند و ایمان و محبت خود را علنی نکنند.»

در واقع معاویه در بخشنامه ها از اهرم تهدید، تطمیع، جعل حدیث و فشار به شیعیان استفاده کرده.

### مفاد دیگر بخشنامه ها:

در مفاد بخشنامه های معاویه توهین به شخص معاویه مخالفت با فرامین الهی بوده به همین دلیل مردم به راحتی سیدالشهدا(ع) را خارجی اعلام کردند، مسلمانان صفت ابوتراب را یک فضیلت برای امیرالمؤمنین می دانستند اما

معاویه برای تمسخر این لفظ را استعمال می کرد و در تمام نامه ها اسمی از حضرت نمی برد به جز ابوتراب چون انقدر این جمله را تکرار کرده بود مردم وقتی میشنیدند می خندیدن و دلیل معاویه این بود که علی به خاک بسنده کرده ولی من به مردم و رای مردم بسنده کردم، معاویه هفت نفر را هفت بار مأمور کرد تا در نماز به او حمله کنند تا نامش به عنوان شهید زنده محراب ثبت شود.

### بخش اول خطبه منا:

امام حسین (ع) در ابتدا خطبه منا ۱۵ فضیلت امام علی (ع) را نام بردند که شامل: پیمان برادری با پیامبر، باز بودن درب خانه اش به مسجد، اثبات امامتش در غدیر، منزلت امام نزد پیامبر، جایگاه حضرت در مباحله، فاتح خیبر بودن، مبلغ سوره براءت، بر طرف کننده غم از چهره پیامبر، ولی کل مومنان بود، صاحب سر پیامبر بود، بهترین اهل بیت بود، یکی از اهل بیت سقلین بود، مسؤل غسل و تکفین پیامبر بود، دوستی با او دوستی با پیامبر است.

**بخش دوم خطبه منا:**

امام در بخش دوم خطبه دعوت به امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، امر به معروف اهمیت اش از جهاد هم بیشتر است و طبق فرمایش امیرالمؤمنین: **وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفُتَةٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ.**»

تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. (نهج البلاغه حکمت [۳۷۴](#))

در این خطبه امام، علماء را خطاب قرار داده که چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید و چرا جلو معاویه را نمی‌گیرید مگر خدا با شما عهد نبسته که جلوی ظالم بایستید و مظلوم را یاری کنید. بعد حضرت فرمودند که صحبت‌های من رو بر روی منبرها پخش کنید اما علماء همچین کاری نکردند. امام دو عامل عدم انجام امر به معروف و نهی از منکر توسط علماء را رقبت‌ها و رهبت‌ها معرفی کردند، رقبت یعنی تمایل به دنیا و رهبت یعنی ترس.



## بخش سوم خطبه منا:

در این بخش امام حسین (ع) درباره وظایف علماء صحبت می کنند و می فرمایند: «خصوصیت شما این است که بین مردم راه شناخته شده هستید و شما را عالم دینی می شناسند، در بین مردم به نیکی یاد می شوید و به خیرخواهی و راهنمای مردم در جامعه معروف شده اید، شما به خاطر انتساب به خدا در دل مردم شکوه پیدا کرده اید، شخص مقتدر از شما بیم دارد و شخص ناتوان شما را تکریم می کند و شخصی که هیچ قدرتی و اختیاری بر او ندارید شما را بر خود برتری می دهد، مردم در حاجت‌هایشان شما را شفیع قرار می دهند و وقتی مردم این کار را با شما می کنند دائماً توقع شما از خدا زیاد می شود احساس می کنید کسی هستید؟ شما باید به این گفته برسید که تمام خصوصیت اجتماعی که از نظر ظاهری به آن رسیده اید به خاطر این هست که مردم فکر می کنند شما حقوق الهی را رعایت می کنید حال آنکه اینطور نیست و حق الهی را رعایت نمی کنید شما بیشتر از حقوق الهی سرباز زده اید و با ظالم سازش کردید پس توقع چه جایگاهی را از خدا دارید؟ چه مالی را به خدا دادید، چه جانی را در راه خدا به

مخاطره انداخته اید با کدام گروه بی ایمان مبارزه کرده اید از اینطرف از انتساب به خدا کسب حیثیت کرده اید ولی برای خدا هیچ کاری نکرده اید چون امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید. ای بی انصاف ها اگر سوداگری باشد درباره منافی که کسب کرده اید حداقل باید کاری کرده باشید، ترسم این است که مورد غضب خدا قرار گیرید چون همه چیزتان از خدا و برای او کاری نکرده اید و برای هم گرفتن اینها کاری ندارد حال توقع دارید در بهشت جایگاه داشته باشید؟

مگر شما هنگامی که پیامبر (ص) علی را در غدیر برای جانشینی انتخاب کرد تعهد ندادید پس چرا بر سر تعهد خود نماندید. پدران شما یک مشت مشرک بودند که با هم قرار داد مشرکانه بسته بودند و شما بر سر تعهد مشرکانه پدرانتان ایستادید اما بر سر تعهد خدا نایستادید.»

درد جامعه افرادی امثال معاویه یا منافقان نیستن درد علما و خواصی هستن که ساکت اند. اشتباه صحابه و تابعین این بود که ارزش واقعی خود رو ندانستن، پراکندگی از محور حق داشتن، اختلاف در سنت پیامبر و جدال به ظالمان و ترس از مرگ و دلبسته به دنیا بودند.

خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سرزد، برای رقابت در فرمانروایی و نیز دسترسی به مال بی ارزش دنیا نبود، بلکه از آن روست که نشانه های آیین تو را بنمایانیم و سروسامان بخشی را در سرزمین هایت آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده تو آسوده گردند و به فرایض و سنن و احکام تو عمل کنند. و شما (ای مردم!) اگر ما را (در این راه مقدس) یاری نرسانید و در خدمت ما نباشید، ستمگران (بیش از پیش) بر شما نیرو گیرند و در خاموش کردن نور پیامبر شما بکوشند. خدا ما را بس است و بر او توکل داریم و به سوی او بازمی گردیم و سرانجام به سوی اوست.